نگاه

تغییر از درون جامعه آغاز می‌شود

غلامرضا جمشیدی‌ها
استاد علوم اجتماعی دانشگاه تهران

ایلنا: تجربه ما در دوران انقلاب و جنگ، وحدت و مقاومت مردم ایران را به نمایش گذاشت؛ اما اکنون به باور بسیاری از مردم، اگر مسئولان جامعه به‌درستی عمل می‌کردند می‌توانستیم زودتر به اهداف خود برسیم. از طرفی امروزه، هویت و یکپارچگی سرزمینی، اعتقادی و ایمانی ایران، با چالش‌هایی روبه‌رو است. حفظ وحدت ملی در این شرایط حساس، از اهمیت بالایی برخوردار است. بیشتر مردم در ابتدا باور نداشتند، اما با گذشت زمان، جمعیت زیادی به میدان آمدند. من فکر می‌کنم اگر مدیریت کشور همواره به‌گونه‌ای باشد که منافع ملی در اولویت قرار گیرد، مردم با شور و شوق بیشتری همراهی خواهند کرد. در این شرایط، حفظ وحدت و صبر، از اصول مهم است. همان‌طورکه در آیه ۲۰ سوره آل عمران آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبور باشید و استقامت کنید و از خدا بترسید تا رستگار شوید». واقعیت این است که پایداری و مقاومت در طول زمان، نیازمند تلاش و همراهی مردم است. تجربه نشان می‌دهد اگر مردم بتوانند به‌طور چشمگیری با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و به حرف‌های یکدیگر گوش دهند، می‌توانند در برابر مشکلات و چالش‌ها ایستادگی کنند. در شرایط فعلی، با توجه به اعلام آتش‌بس و احتمال پایان جنگ، مردم باید نسبت به یکدیگر و حاکمیت رویکردی مثبت و همدلانه داشته باشند. این زمان حساسی است که نیازمند هوشیاری و آگاهی همه‌جانبه است. حضرت امام علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر، نکته‌ای مهم را می‌فرمایند: «وقتی که شما نزدیک پیروزی هستید، دشمن به شما ضربه خواهد زد. پس هوشیار باشید و اجازه ندهید که خود را فریب دهند». این یادآوری، اهمیت لحظه‌های پایانی هر مبارزه را نشان می‌دهد. در دوران انقلاب، بسیاری از افراد با گوش‌دادن به دیگران و درک نیازهای جامعه، نقش مهمی داشتند. این درس ارزشمندی است که می‌تواند در شرایط فعلی نیز مورد استفاده قرار گیرد. در دوران انقلاب، من شاهد بودم که مردم به سخنان من و دیگران گوش می‌دادند و به‌طور فعال در صحنه‌های مختلف حضور داشتند. اما امروزه، مردم به عمل و نتایج آن نگاه می‌کنند. این تغییر نگرش نشان‌دهنده اهمیت عمل و تحول واقعی در جامعه است. در دوران انقلاب و جنگ، مردم با انگیزه و اشتیاق برای تغییر، به مبارزه پرداختند. اما اکنون، انتظار دارند که تغییرات مثبت و پایدار در زندگی روزمره‌شان منعکس شود. در دوران انقلاب و جنگ، برنامه‌ریزی براساس شرایط خاص آن زمان بود. اما امروزه باید برنامه‌هایی با رویکردی سازنده و با توجه به نیازهای جامعه طراحی شود. سازندگی و پیشرفت کشور، هدفی والاست؛ اما باید با توجه به واقعیت‌های موجود و امکانات موجود، برنامه‌ریزی و اقدام شود. بدون شک، این دوره می‌تواند فرصتی برای نزدیک‌ترشدن مجدد مردم و حاکمیت باشد. مردم انتظار دارند حاکمیت با عدالت و انصاف با همه شهروندان رفتار کند. تخلفات و سوءاستفاده از قدرت، به‌ویژه از سوی کسانی که در موقعیت‌های مسئولیتی قرار دارند، می‌تواند باعث نارضایتی عمومی شود. برای بازسازی اعتماد مردم و ایجاد وحدت، باید حاکمیت اقداماتی را انجام دهد، از جمله ایجاد عدالت و برابری‌های اجتماعی و اقتصادی، اقدام قاطعانه در برابر هرگونه تخلف و فساد به‌ویژه در میان کسانی که قدرت و نفوذ دارند، گوش‌دادن به مردم، ایجاد کانال‌های ارتباطی مؤثر برای شنیدن نظرات و دغدغه‌های مردم و درنظرگرفتن آنها در تصمیم‌گیری‌ها. این اقدامات می‌تواند به بازسازی اعتماد مردم و ایجاد یک ارتباط سازنده بین مردم و حاکمیت کمک کند. مردم به حق انتظار دارند که همه مسئولان، صرف‌نظر از موقعیت و جایگاهشان، به‌طور عادلانه و شفاف رفتار کنند. همچنین، باید به یاد داشته باشیم که تغییر از درون جامعه آغاز می‌شود. اگر ما به‌عنوان شهروندان، سبک زندگی و رفتار خود را با ارزش‌هایی که ادعا می‌کنیم، موافق آن هستیم، هماهنگ کنیم، می‌توانیم تأثیری مثبت بر دیگران داشته باشیم. در نهایت اجرای این تغییرات نیازمند تلاش جمعی و پایدار است. در جامعه‌ای با تنوع جغرافیایی و فرهنگی مانند ایران، درک و احترام متقابل، کلید حل مشکلات و ایجاد وحدت است. هر شهر ویژگی‌های خاص خود را دارد. تهران به‌عنوان پایتخت، با چالش‌های خاص خود مواجه است، از جمله جمعیت زیاد و مسائل مرتبط با آن. درک و توجه به نیازهای خاص هر شهر و منطقه، گام مهمی در جهت بهبود زندگی مردم و ایجاد یک جامعه پویا و متحد است. ثبات و پیشرفت جامعه به تلاش جمعی بستگی دارد. مردم عادی، با توجه به شرایط اقتصادی فعلی، باید هوشیار و آگاه باشند. در عین حال، مهم است که به جای تمرکز بر مشکلات، بر راه‌حل‌ها و اقدامات مثبت تمرکز کنیم. در نهایت امیدوارم شرایط به‌گونه‌ای پیش برود که همه مردم بتوانند زندگی راضی‌کننده‌ای داشته باشند.

خبر

مشاوره رایگان با خط تلفن ۱۵۷۰

مهر: کودکان و نوجوانان به همراه خانواده‌ها می‌توانند از طریق تماس تلفنی با خط ۱۵۷۰ به صورت شبانه‌روزی از مشاوره‌های تخصصی و فوق‌تخصصی استفاده کنند. این شماره تلفن، به خط اورژانس دانش‌آموزی مشهور است و به صورت ۲۴ساعته در حال ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره تلفنی به دانش‌آموزان است. تیم مداخله در فوریت‌های روانی- اجتماعی مناطق که در مراکز مشاوره دانش‌آموزی مستقر هستند، در زمان بروز فوریت نسبت به ارائه مداخلات تخصصی به افراد درگیر اقدام می‌کنند. اداره کل امور تربیتی، مشاوره و مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی وزارت آموزش و پرورش در این شرایط، در راستای حفظ و ارتقای سلامت روان و ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره به دانش‌آموزان و همچنین مراقبت از کودکان و نوجوانان در برابر تهدیدات ناشی از شرایط کنونی، به صورت مستمر و با استفاده از تمام ظرفیت‌های موجود، برنامه‌ریزی و تلاش کرد با خدمت‌رسانی به دانش‌آموزان، والدین و معلمان سهمی ولو کوچک در بهبود شرایط روحی و روانی جامعه خصوصا کودکان و نوجوانان داشته باشد. براساس سیاست‌های ابلاغی اداره کل امور تربیتی، مشاوره و مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی وزارت آموزش و پرورش، مشاوران مدارس به صورت مستمر و حداقل یک بار در هفته با والدین تمامی دانش‌آموزان تماس خواهند گرفت و ضمن احوالپرسی و معرفی خود به والدین دانش‌آموز و توضیح هدف از برقراری تماس تلفنی، وضعیت کلی خانواده در شرایط کنونی و سلامتی همه اعضای خانواده را بررسی و جویای وضعیت تحصیلی و روان‌شناختی دانش‌آموز می‌شوند. چنانچه دانش‌آموزی نیاز به دریافت مداخلات تخصصی‌تر داشته باشد، به مرکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی دانش‌آموزی معرفی می‌شود تا از طریق اعضای تخصصی مرکز مشاوره، خدمات مناسب را دریافت کند. همچنین مشاوران مدارس شماره تلفن و روزهای حضور خود در مدرسه برای مراجعه احتمالی دانش‌آموزان و اولیا را اعلام کرده و به آنها می‌گویند که در زمان نیاز می‌توانند با مشاور مدرسه تماس بگیرند. مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی دانش‌آموزی موجود در تمامی مناطق کشور به صورت آماده‌باش در حال ارائه خدمات حضوری و غیرحضوری به دانش‌آموزان و والدین هستند. در مدارسی که مشاور ندارند، از ظرفیت رابطان مشاوره آموزش‌دیده برای برقراری ارتباط با دانش‌آموزان و ارائه راهنمایی‌های لازم به آنان استفاده خواهد شد.

عکس: احمد معینی جم/ ایرنا

گزارش «شرق» از ۱۲ شب بی‌خوابی نیروهای جمعیت هلال‌احمر برای نجات آسیب‌دیده‌ها از زیر آوار

امدادگران معجزه‌گر

«با چشم دیده‌ام که امدادگران در خواب راه رفته‌اند، در خواب حرف زده‌اند، ما زیر موشک‌باران، جنگ‌زده‌ها را از زیر آوار بیرون کشیدیم»

نیلوفر حامدی: ۱۲ شب آزگار در حالی سحر شد که پویا، امیر، بابک و ده‌ها مرد سفیدوقرمزپوش دیگر، با چشمان نیمه‌باز فقط ادای خوابیدن را درآوردند. آنها نیمه‌بیدار، نیمه‌هوشیار و آماده به خدمت بودند، برای هر لحظه‌ای که ندایی آنها را فرابخواند؛ برای صدای کودکی، مادری، پدری، زنی و هر ایرانی که ترکش جنگ، آرامشش را بر هم زده باشد، برای هر دست هم‌وطنی که بلند شود به سوی یاری. در نخستین روز از آغاز آتش‌بس، درست در لحظه‌ای که بسیاری از مردم بعد از نزدیک به دو هفته نفسی از سر آرامش می‌کشند و دیر یا زود سراغ زندگی‌های قبلی خود می‌روند، این نیروهای امدادگر اما هنوز کارشان به اتمام نرسیده است. برخی از آنها باید سراغ ادامه آواربرداری‌های پیشین بروند و برخی دیگر در شیفت‌های تعیین‌شده خود به روال سابق، حاضر به یراق می‌مانند تا هر لحظه‌ای که چهره آرامش دوباره مخدوش شود. روایت آنها از ۱۲ روز جنگی که به مردم ایران تحمیل شده بود، سرشار از قاب‌های تلخ و سیاه است؛ قاب‌هایی که حضور این امدادگران تنها می‌توانست رنگ آرامش و زندگی دوباره به آن ببخشد. براساس اعلام رئیس جمعیت هلال‌احمر، از ابتدای حملات رژیم صهیونیستی، هشت‌هزارو ۲۰۰ امدادگر هلال‌احمر در ۵۰۲ عملیات مشارکت داشته و به مجروحان و مصدومان این حملات امدادرسانی کرده و در عملیات جست‌وجو و آواربرداری مشارکت کردند. به گفته حسین کولیوند، این حملات منجر به شهیدشدن چهار نفر از نیروهای هلال‌احمر در جریان امدادرسانی به آسیب‌دیدگان شد. مهدی زرتاجی، مجتبی ملکی، امیرحسن جمشیدپور و یاسر زیوری شهیدان هلال احمر هستند.

آواربرداری برخی مناطق تا ۱۰ روز زمان می‌برد

«پویا آزادانی‌پور» ۱۴ سال از زندگی خود را به‌طور حقیقی وقف کمک‌رسانی به مردم کرده است. فرقی نمی‌کرده که سیل باشد یا زلزله؛ او همیشه همراه با بقیه اعضای تیم، در دل سخت‌ترین میدان‌ها برای یاری‌رساندن حاضر بوده و حالا سه سالی می‌شود که دیگر به استخدام جمعیت هلال‌احمر ایران درآمده است. ۱۲ روز از آغاز جنگ گذشته و این را می‌توان در چشمان پویا خواند: «این بحران، جزء حوادث سخت و سنگین است که تبعات و آسیب‌های زیادی دارد. از روز نخست ما در مناطق مختلف، لحظه‌ای آرام نداریم و اجساد زیادی را از زیر آوار خارج کرده‌ایم. در برخی مناطق، شدت حادثه آن‌قدر بالاست که تنها کار آواربرداری ممکن است یک هفته تا ۱۰ روز طول بکشد».

پویا که روزهای جنگ تحمیلی ایران و عراق را ندیده است، این تجربه کاری را از نظر احساسی نیز متفاوت می‌بیند: «ما در زمان جنگ نبودیم که با این نوع حوادث آشنا باشیم. حالا از نزدیک شاهد هستیم و گاهی تحملش واقعا سخت می‌شود. خانواده‌ها، کودکان و عزیزان بی‌شماری را از دست داده‌ایم. این احساسات برای ما عجیب، سخت و طاقت‌فرساست. این مسائل برایمان بسیار دردناک است. در تمام حوادث طبیعی پیشین هم تجربه‌های سختی داشتیم، اما این مأموریت‌ها شکل دیگری دارد. جنبه‌های غیرمنتظره این میدان بیشتر آزارمان می‌دهد. اینکه با یک انفجار، چندین خانواده از بین برود. مقابل چنین قابی قرارگرفتن، برای من و همکارانم بسیار دشوار است که هم‌وطنانمان را در چنین شرایطی ببینیم، اما تحمل می‌کنیم تا حداقل تسکین و آرامشی برای خانواده‌های داغدیده باشیم».

پویا در پنج روز نخست جنگ اندازه پنج ساعت هم نخوابید، اما عشق به نجات مردم سر پا نگهش داشته است. با این وجود، دغدغه‌های شخصی و خانواده‌اش را هم دارد که در کرمانشاه زندگی می‌کنند: «هم من اضطراب و استرس زیادی برای آنها دارم و هم آنها برای من، اما آنها می‌دانند که من عاشق کارم هستم و سال‌هاست که در بحران‌ها سعی می‌کنم مردم را تنها نگذارم. درواقع فقط من نیستم که خدمت می‌کنم، خانواده من هم با تحمل چنین وضعیتی، در حال خدمتگزاری به مردم در دل بحران هستند. من سال‌هاست به ماندن کنار هم‌وطنانم عهد بسته‌ام».

بالای سرمان آوار بود و زیر پایمان آتش

«در عملیات آواربرداری که در چهار شبانه‌روز و در مناطق ۱۹ و ۲۰ و منطقه ۲ تهران طول کشید، توانستیم جان سه نفر را نجات دهیم. هر یک نفسی که دوباره به این زندگی برمی‌گشت، توش و توان ما می‌شد برای روزهای آینده کاری که پرفشار و سنگین هم بودند». راوی این جملات کسی است که از ۱۲سالگی خودش را وقف هلال‌احمر کرده است. امیر مومنی، رئیس هیئت نجات‌غریق و غواصی رشت و عضو تیم واکنش سریع گیلان، همان جمعه که آتش جنگ شروع شد، خودش را به تهران رساند. یک تیم ۱۱نفره واکنش سریع به همراه یک تیم آنست (سگ‌های زنده‌یاب) و دو خودروی سواری مجهز که خیلی زود تیمی دیگر هم به آنها اضافه شد تا در یک گروه ۴۰نفره معجزه نجات آنها آغاز شود.

او از لحظه نجات جان انسان‌ها می‌گوید: «یک بار وقتی به ساختمانی که آسیب دیده بود، رسیدیم، مردم را دیدیم که روی آوار در حال جست‌وجوی افراد زیر آوار بودند. اگر آنها را از آن محدوده خارج نمی‌کردیم، علاوه بر سه نفری که زیر آوار بودند، مردم نیز جان خود را از دست می‌دادند؛ چون مردم دنبال صدای زیر آوار بودند که بتوانند خودشان آنها را نجات دهند، درصورتی‌که هر لحظه امکان داشت دوباره آوار بریزد. از طرفی زیر آوار آتش نیز وجود داشت. آنجا یک شرکت بود. یکی از کارمندان، روی صندلی مانده و پایش زیر آوار بود. یعنی آنها زیر آوار دو طبقه دیگر بودند که همین موضوع خطر کلی مأموریت را برای همه ما نیز بالا می‌برد. بااین‌حال در یک ساعت تا وقتی ابزار برسد، توانستیم آن سه نفر را نجات دهیم».

او و همکارانش با صبر و مقاومت طولانی‌مدت توانستند سه نفر را از شرایطی بسیار وخیم نجات دهند: «یکی از همکاران که جثه ریزی دارد، ابتدا به داخل رفت. بعد من رفتم. آنجا ایمنی را تأمین کردیم. دستگاه اکسیژن وصل کردیم. بعد از آن توانستیم آن سه نفر را که دو مرد و یک خانم بودند، زنده از آنجا خارج کنیم. لحظات بسیار حساسی بود. آن خانم دورتر بود و وقتی از تونل به پایین دسترسی پیدا کردیم، از طریق صدای فریادش توانستیم او را هم پیدا کرده و نجات دهیم».

همین لحظات نجات است که به این نیروهای جان‌برکف توان می‌دهد تا سخت‌ترین لحظات را تاب بیاورند: «خانمی هم که زیر آوار بود، وقتی نجات پیدا کرد به ما گفت تصور می‌کردم هیچ‌وقت از زیر آوار بیرون نمی‌آیم. می‌گفت با خودم گفتم دیگر چشمم نور را نمی‌بیند، ولی وقتی در میان تاریکی صدای شما را شنیدم، احساس کردم یک معجزه برایم اتفاق افتاده است».

نجات جنگ‌زده‌ها زیر موشک‌باران

این کار اما همواره آغشته به لحظات سخت و روبه‌روشدن با قاب‌های تلخی است که حتی یک بار دیدنش هم برای زندگی یک نفر زیادی است: «ما در حادثه انفجار و شهادت امدادگران‌مان نیز حضور داشتیم. آنها برای امدادرسانی رفتند و تصور نمی‌کردند انفجار دیگری رخ دهد. آنها به‌عنوان اولین تیم سر صحنه حضور یافتند. مثلا ما در کنار صداوسیما، شش شهید بیرون آوردیم. وقتی این حادثه رخ داد، به ما گفتند نیروهایی بروند که ترس نداشته باشند؛ چون بالای سر ما پهپادها می‌چرخیدند و موشک‌ها را می‌دیدیم، اما باز هم در دل میدان بودیم. در همان مأموریت‌های اولیه ۱۶ پیکر را از زیر آوار خارج کردیم. این چند روز صحنه‌های بسیار تلخی دیدیم. فکرکردن به آنها ما را از نظر روانی نابود می‌کند. به همین دلیل بعد از هر مأموریت اصلا در موردش با هم صحبت نمی‌کنیم. اگر یک متخصص و مشاور هم کنار بچه‌ها باشد، خیلی بهتر می‌شود تا انگیزه ادامه مأموریت داشته باشند. در این چند روز من به چشم دیده‌ام که امدادگران در خواب راه رفته‌اند، در خواب حرف زده‌اند، حالشان بد است و ناراحت شده‌اند».

انگار خانه‌های خودمان بود

«تصویر کودکی که همراه پدر و مادرش از زیر آوار بیرون کشیدیم، هیچ‌وقت از ذهنم پاک نمی‌شود. مگر آن کودک بی‌پناه از جنگ چه می‌داند؟». این جملات، توصیف امدادگری است که هشت روزی می‌شود خانواده‌اش را ندیده است. «بابک صفری» که از سال ۷۳ با جمعیت هلال‌احمر کار می‌کند، می‌گوید هر خانه‌ای را که دشمن می‌زند انگار خانه خود من است: «هیچ چیزی مانع خدمت‌رسانی ما به مردم نمی‌شود. مثلا در یکی از حادثه‌ها، یکی از بچه‌های امدادگر به نام رضا ناصراسلامی، از ناحیه دو پا به‌شدت آسیب دید. یکی از پاهایش شکست و دیگری هم مو برداشت. بااین‌حال هنوز هم در حال خدمت‌رسانی است. در این مدت بیشتر کشته‌شدگان را از زیر آوار بیرون کشیدیم، ولی چندین مصدوم را نیز از ساختمان‌ها نجات دادیم. بیشتر مردم در شوک بودند. حال روحی‌شان خیلی بد بود. خانمی را دیدیم که وقتی به خانه‌اش رسید متوجه شد که انفجار در آن حوالی بوده است. در هیاهوی جمعیت، آن خانم را دیدم که به‌شدت می‌لرزید، کار را رها کردم، سراغ او رفتم و سعی کردم آرامش کنم. نگران مادر پیرش بود که در خانه مانده بود. خوشبختانه خانه‌اش آسیبی ندیده بود. او را به خانه‌اش رساندم. حتی صبر کردم تا بالا برود و از حال مادرش باخبر شود. وقتی مطمئن شدم مادرش هم حالش خوب است، به محل حادثه برگشتم. دیدن این حجم از ترس مردم و شدت شوک و اضطراب آنها، واقعا برایمان سخت است».

شهادت ۳ همکار

سخت‌ترین تجربه این روزها برای بابک اما از دست دادن سه نفر از همکارانش بوده است: «آنها از دوستان من بودند، با همه آنها زندگی کرده‌ام و در بحران‌های مختلف کنار هم بودیم. ولی این اتفاقات باعث می‌شود بیشتر کار کنیم. اگر چنین نبود، هیچ‌وقت به محل‌هایی که سه بار دچار موج انفجار شده‌اند، نمی‌رفتند. هرکدام از بچه‌های ما در این چند روز شاید دو ساعت به خانه‌شان سر زده‌اند. بی‌وقفه مانده‌ایم و تا آخرین لحظه کنار مردم هستیم تا شاید بتوانیم تسکینی باشیم بر درد این مردم بی‌گناه». یکی از امدادگران در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید مردی که او را نجات داد، پس از اینکه نفسش جا آمد، به او گفت «شماها شبیه طنابی هستید که خدا برای ما از آسمان فرستاده تا نجاتمان بدهد. شما شبیه معجزه هستید». گویی که شعر گفته باشد؛ آن‌هم در نخستین لحظات رهایی از مرگ. شعری که البته منطبق بر واقعیت است؛ چه آنجا که «سهیل» در نخستین روز جنگ از محل کارش استعفا داد تا به جمع داوطلبان جمعیت هلال‌احمر بشتابد، چه آنجا که «امیررضا» تنها چند روز مانده به جشن عقدش، از خانه بیرون زد چون به چیزی جز نجات مردمش فکر نمی‌کرد.

عکس: احمد معینی جم/ ایرنا

عکس: سهند نگاهی/ شرق

خبرهای روز

پلاک‌های سرقتی را ثبت کنید

ایسنا: رئیس اداره اجتماعی پلیس آگاهی فراجا گفت: «شهروندان در صورت سرقت پلاک یا خودروی خود، جهت جلوگیری از اقدامات ضد امنیتی و تروریستی که با استفاده از وسایل نقلیه انجام می‌شود، بلافاصله اعلام ثبت سرقت کنند».

محمد شریفی گفت: «سرقت پلاک خودرو و موتورسیکلت یکی دیگر از جرائمی است که در مواقعی که صورت می‌گیرد، بلافاصله باید شهروندان اعلام سرقت کنند». او افزود: «با توجه به اینکه اقدامات ضد امنیتی در کشور مانند انتقال تجهیزات تروریستی در حال حاضر توسط معاندین از طریق وسایل نقلیه انجام می‌شود، از دیگر ترفندهای این افراد فرصت‌طلب استفاده از پلاک‌های سرقتی است».

به گفته رئیس اداره اجتماعی پلیس آگاهی فراجا، با توجه به احتمال استفاده پلاک‌های مسروقه توسط مجرمین بر روی خودروهای دیگری که ممکن است حتی دارای اصالت باشند، ضمن جلب توجه این‌گونه پلاک‌ها، واحدهای انتظامی در صورت مشاهده خودروهای تک‌پلاک یا جفت سرقتی نسبت به شناسایی مالک خودرو اقدام کرده و علت چگونگی و نبود آن مشخص می‌شود: «با توجه به شرایط کنونی و موجود، لازم است شهروندان به محض اینکه متوجه سرقت پلاک خودرو خود، چه به صورت تک و چه جفت شدند، بدون فوت وقت به منظور رصد و کنترل نسبت به ثبت آن اقدام کنند».

او تأکید کرد: «شهروندان در صورت سرقت خودرو یا پلاک، جهت تسریع و جلوگیری از اتلاف وقت می‌توانند بلافاصله آن را در سامانه «پلیس من» ثبت کنند. افراد در صورت مشاهده موارد مشابه و مشکوک، آن را به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اطلاع دهند».

راه‌اندازی سامانه رصد اجتماعی

معاون وزیر کشور و رئیس سازمان امور اجتماعی کشور گفت: «سامانه‌ای برای رصد مداوم انسجام اجتماعی در حال آماده‌سازی است».

محمد بطحایی افزود: «انسجام اجتماعی خط قرمز امنیت ملی است و هر رفتار یا تصمیمی که این انسجام را خدشه‌دار کند، باید به سرعت شناسایی و تذکر داده شود. در ۱۲ روزی که پشت سر گذاشتیم، عزیزانی را از دست دادیم، اما یکی از مهم‌ترین تجاربی که برای ما به یادگار ماند، حس همبستگی و همراهی ملت ایران بود که در این شرایط سخت، در کنار یکدیگر ایستادند و پایداری کردند».

بطحایی با بیان اینکه سامانه‌ای برای رصد مداوم انسجام اجتماعی در حال آماده‌سازی است، گفت: «این سامانه، رفتار و تصمیم مدیران را تجزیه و تحلیل خواهد کرد تا مشخص شود چه سخنی، چه تصمیمی یا چه اقدامی تأثیر منفی یا مثبت بر انسجام اجتماعی داشته است. اگر رفتاری تأثیر منفی داشت، باید بلافاصله پرچم قرمز بالا برود و تذکر داده شود».

او ادامه داد: «در همین اتفاقات اخیر، با پیگیری همکارانم در وزارت کشور و سازمان مدیریت بحران، بسیج خودجوشی شکل گرفت که طی آن، حدود ۵۰۰ آتش‌نشان بازنشسته برای کمک داوطلبانه در مهار آتش‌سوزی‌های ناشی از تجاوز رژیم صهیونیستی اعلام آمادگی کردند».

او گفت: «سامانه‌ای که پیش‌تر به آن اشاره کردم، دقیقا با چنین هدفی طراحی شده است؛ این سامانه قرار است دائما در پی تقویت این داشته ارزشمند باشد و از طریق نهادهای مسئول، روش‌ها و برنامه‌هایی برای حفظ و ارتقای آن تدوین و اجرا شود».

به گفته بطحایی، برای کاهش تبعات روانی و اجتماعی این تجاوز، با کمک سمن‌ها و گروه‌های جهادی، ائتلافی برای بازسازی سریع و ارائه خدمات مشاوره‌ای تشکیل شده است تا بتوان در کوتاه‌ترین زمان، شهروندان آسیب‌دیده را به شرایط مطلوب برگرداند.